

## معرفی شرح مثنوی گل کشتی و مولف آن

ثنا قاسم

دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور.  
دکتر محمد صابر  
عضو هیات گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور.

### چکیده

مولف مثنوی گل کشتی عبدالعال میر نجات اصفهانی است، وی در عهد صفویان زندگی می کرد. این مثنوی را در سال ۱۱۱۲ق سروده و حدوداً مشتمل بر سیصد بیت است. وی اصطلاحات کشتی گیری را با موضوعات عاشقانه آمیخته است. افرادی به جهت اهمیت این اثر اقدام به شرح این مثنوی کرده اند، یکی از این شارحان ابوالفیض محمد ملاح است. وی غیر از این مثنوی، شروح دیگر هم کرده بود. وی در این شرح علاوه بر معنا کردن و توضیح دادن اصطلاحات و ورزش کشتی بسیاری از واژه ها و عبارات را نیز شرح کرده است. ملاح در تالیف خود از شروح دیگر نیز بهره برده است و در برخی از مواقع نظرات شارحان را نقد کرده است.  
**کلیدواژگان:** مثنوی، گل کشتی، میر نجات اصفهانی، شرح محمد ملاح.

عبدالعال میر نجات که پدرش محمد مومن اصفهانی بود و از سادات کوه گیلویه بود و از منشیان شاه سلیمان صفوی بوده و در زمان سلطان حسین میرزا صفوی داروغه کتب خانه شاهی بود (صبا، ۱۳۴۳: ۸۰۴). وی در فن انشا مهارت فراوانی داشت، امرا و اعیان اصفهان در نهایت مرتبه وی را مرز و مکرم می داشتند (خلیل عظیم آبادی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). میر نجات یار و ندیم میرزا طاهر وحید قزوینی و شاگرد صائب تبریزی و همعصر علی قلی خان واله داغستانی، حزین لاهیجی و میرزا طاهر نصر آبادی است (خطیب نیا، ۱۳۹۶: ۹۶). وی این مثنوی را در سال ۱۱۱۲ق در بحر رمل سروده که وزن این فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است. همچنین برخی این مثنوی را شهر آشوب نامیده اند، این مثنوی منبع خوبی برای تحقیق در این نوع شعری است. شهر آشوب نوعی شعر در توصیف پیشه وران و یا مدح و توصیف مردم یک شهر و یا افراد وابسته به یک دربار بوده است (خطیب نیا، ۱۴۰۱: ۹۶). نسخه های خطی این مثنوی در کتابخانه های مختلف جهان نگهداری می شود و کوهی کرمانی بخشی از این مثنوی گل کشتی را چاپ کرده و مهر داد اکبری نیز در سال ۱۴۰۰ش از انتشارات ابوالحسنی چاپ کرده است. برخی از آثار میر نجات عبارتند: دیوان اشعار، مثنوی مسیر السالکین و مثنوی گل کشتی (خطیب نیا، ۱۳۹۶: ۹۵)

### نام شارح مثنوی گل کشتی

ابوالفیض محمد ملاح (گ: 2 و 3). او میان محمد ابوالفیض متخلص به ملاح است. وی در گجرانواله می زیسته که آثاری همچون *مرآت الحساب* (سروده به 1256ق.)، *شرح مکاتبات علامی* (تألیف 1266ق.)، *شرح قصه سوداگر بچه* (تألیف 1247ق.)، *شرح نل و دامن و شرح گل کشتی* دارد (ر.ک. همان: 1064 و همان، ج 1: 216). ملاح در شرح گل کشتی به یکی از آثارش اشاره کرده است: «شرح سوداگر زاده که او را مار گزیده بود» (گ: 22).

### علت نوشتن شرح

ملاح در مقدمه توضیح داده است که برای رسیدن به اهدافی از جمله دیدن دوستان و تماشا و به دست آوردن کتاب مره الحساب از لاهور به اصفهان می رود. او در این سفر کتاب گل کشتی را می خواند و در برخی از جاهای آن یادداشت هایی می نویسد. سپس عزیزی از او می خواهد که معانی و اصطلاحات این کتاب را شرح دهد. ملاح ابتدا این درخواست را رد می کند اما درخواست کننده اصرار می کند و ملاح نیز به سبب اصرار او به شرح کتاب اقدام می کند (گ: 3).

### تاریخ نوشته شدن شرح

شارح در ابیاتی تاریخی شروع به کارش را نوشته است:

سال	تاریخ	ورا	هاتف	فردوس	مقام
گفت	سیراب	بهار	گل	کشتی	روشن
به	سخن های	نمکبیز	ملاح	به	فلک
آمد	از پرده	برون	زهره	شکستن	ارغن

(گ: 4)

### روش کار شارح

شارح ابتدا با استفاده از اصطلاحات فن کشتی و ترکیبات و واژه هایی که در متن اشعار میرنجات آمده یک مقدمه نوشته است.

او سپس ابیات مثنوی را به ترتیب آورده است و پس از درج هر بیت اصطلاحات، واژه‌ها و عبارات بیت را شرح کرده است. شارح در لابلای ابیات به اشعار دیگر شعرا استشهد کرده است. همچنین برای شرح واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات به دیگر منابع با ذکر نام آن منابع استناد کرده و در مواقعی نظر خودش را به عنوان نظر درست درج کرده است. او همچنین در مواقعی به تفاوت رسوم کشتی گرفتن در ایران و هند اشاره کرده است.

#### ارزش اثر

- اشاره به برخی از رویدادها و محاورات بین شعرا. به عنوان نمونه:  
«آورده‌اند که یکی از شعرای هند خوشگو تخلص را با شیخ حزین اتفاق ملاقات افتاد و به تکلیف شیخ چند بیت از سخنان خود بخواند از آن جمله یکی این است:

کی فرود آید سر ما بر در نواب خان  
ما که سر بر آستان حضرت دل بوده‌ایم

شیخ اعتراض آورد که ... « (گ: 7).

- اشاره به نام کتاب‌ها و شعرا:

شاعر برخی از مواقع نام شعرای هم‌عصر خود را آورده است از جمله علاوه بر آوردن شعری از زلالی (گ):

(12) و در ابیاتی سروده است:

آفرین باد به گفتار خوش میرنجات  
خواندش روح زلالی و فرسند صلوات  
ای ملاحه نه ز وصفش به خطایی چو سخن  
که زلالی پی این حرف نمی‌داشت دهن

(گ: 102)

شارح برای شرح واژه‌ها و اصطلاحات از منابع و شروح پیشین کمک گرفته است. او نام شروح و شارحان را نیاورده است. اما به نام منابع فرهنگ لغات یا مؤلفان آنها اشاره کرده است که برخی از آنها عبارتند از: چراغ هدایت، مصطلحات و ارسته، مؤید الفضلا و رشیدی.

- استشهد به اشعار دیگر شعرا:

شارح برای شرح اصطلاحات کشتی و گاهی نیز برای به دست دادن معنی روان به شعر دیگران استشهد کرده است. برخی از آنها از شعرای متقدم و بیشتر آنها از شعرای معاصر شارح هستند. در مجموع نام 66 شاعر قید شده است و نام سراینده برخی از اشعار با عنوان «عزیزی» است که سراینده آنها معلوم نیست. همچنین در چند موضع نیز به نام سراینده اشاره نشده است.

- نظرات انتقادی:

شارح در برخی از مواقع پس از درج نظر دیگران درباره اصطلاحات مثنوی نظرات انتقادی خود را آورده، مثلاً در ذیل «توی شاخ» آورده است: «صاحب چراغ هدایت این لفظ را در باب طای مهمله آورده و لاله و ارسته در مصطلحات خود در جلوه حرف فوقانی ثبت نموده و ظاهراً آن خطا است» (گ: 71-72). نیز در جایی نوشته است: «بعضی درین لغت بجای حرف فوقانی بآء موخده گفته است و این خطا است» (گ: 72).

- مقابله نسخ:

شارح برای اینکه شرح درست و مطمئنی از ابیات به دست بدهد، به ضبط نسخه در دست خودش بسنده نکرده و گاهی ضبط نسخه‌های دیگر را آورده است از جمله در جایی نوشته است: «در بعضی نسخ بجای این بال لفظ پرواز واقع و این بهتر است و معنی آن ظاهر» (گ: 79).

- نظرات ادبی:

شارح همچنین در مواقعی نظرات خود را درباره برخی از واژه‌ها و ترکیبات آورده است: «بدانکه شعرای متأخرین اکثر به زبان الواط که منافی زبان متداوله است حرف می‌زنند چنانچه گویند فلان چیز سراسر خدا راست یا سراسر فلان بزرگ است» (گ: 88) و: «بدانکه در فارسی قاعده مستمره است که چون ما اراده جمع کردن کلماتی که در آخر آن هاء مخفی واق شود نمایند اول ها را به کاف فارسی بدل کنند و ...» (گ: 89) و: «لاله و ارسته که سی و شش سال در ملک ایران برای معلوم کردن اصطلاحات و محاورات گذارده» (گ: 38).

معلوم است که شرح یا شروح دیگری هم بر این اثر نوشته شده است: «بعضی عزیزان درینجا نوشته‌اند که گوسفند انداز نام فنی است از کشتی ... اگرچه این معنی درین بیت راست نمی‌آید» (گ: 82) و: «بعضی فضلا در مصرع ثانی بجای لواشه نوازش خوانند و معنی بیت را چنین بیان کنند که ای دوست ...» (گ: 83).

- به دست دادن فهرستی از مصطلحات کشتی‌گیری:

شارح بیش از 150 فن کشتی و بیش از 25 اصطلاح شایع زورخانه را شرح کرده است.

- آشنایی با رسوم کشتی‌گیری:

برخی از رسوم و به تبع آن واژه‌ها و ترکیبات لغوی در دوره سراینده و شارح مرسوم بوده و اکنون مرسوم نیستند و ما به برکت شرح ملاحظت به معنای آنها و کاربردشان پی می‌بریم مثلاً رسم گل بر سر کارد کردن و دیگری را به کشتی دعوت کردن که نام مثنوی برگرفته از همین نام است. یا رسم تنبک زدن در هنگام کشتی گرفتن یا پوشیدن لباس‌های مخصوص هنگام کشتی گرفتن.

- مطالعات فرهنگ عامه:

برخی از واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحاتی که در گل کشتی آمده و به واسطه شرح ملاحظت با آنها آشنا می‌شویم، عناصری از فرهنگ عامه هستند که امروزه کاربردی ندارند مانند: بال تذر، مشک در شراب ریختن، گفت و قدم، سیلی زدن، می‌چلند، تخته زدن ترسا، تیغ هندی یا تیغ مه‌ند، جایگیر، مرحاج یا میرحاج، پا علم رنگین کردن (سر نکر) را رنگین کردن در لواطت) و ...

#### 4- معرفی نسخه‌ها

1- نسخه به شماره 8975 در کتابخانه گنج‌بخش اسلام آباد نگهداری می‌شود. این دستنویس در 103 صفحه به خط نستعلیق است و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. این نسخه در 1837 م. / 1253 ق. نوشته شده است.  
رسم الخط نسخه:

- 1- کاتب در مواقعی به آخر کلمات نشان «به» را افزوده که زائد به نظر می‌رسد مثلاً در همه جا واژه‌های واقع، مصرع، بدل و کنایت را به شکل واقع، مصرعه، بدله و کنایته ثبت کرده است. اما در مواقعی نیز «ه» پایانی را حذف کرده است: خان (=خانه)، شاخ (=شاخه)، خوردست (=خوردهست).
- 2- کاتب بجای «ی» موصولی از نشان «ه» استفاده کرده است که در تصحیح حاضر به صورت امروزی آن نوشته شد: جاء دیگر (=جای دیگر)، روع زمین (=روی زمین).
- 3- کاتب «ی» نکره در پایان کلمات را یا ثبت نکرده یا به شکل «ه» نوشته است. به عنوان نمونه: نظاره (=نظاره‌ای)، ستاره (=ستاره‌ای).
- 4- پیشوند «ب» در آغاز افعال گاهی به شکل حرف جداگانه «به» ثبت شده است: به بین (=بین).
- 5- پیشوند «ن» در افعال منفی بندرت جدا از فل نوشته شده است: نه می‌غلطد (=نمی‌غلطد).
- 6- در ترکیبات عربی یک بخش را با رسم الخط فارسی نوشته است مثلاً: طویل القامت بجای طویل القامة آمده است.
- 7- واژه «گویند» را همه جا «گوئید» نوشته است.
- 8- همه جا «با او» را «باو» نوشته است. یانکه (=یا آنکه)، یاخر (=یا آخر)، بافتادگان (=با افتادگان).
- 9- در بیشتر مواقع نشان مد را روی الف نوشته است. برای نمونه: بارآلها (=بار الها).

پیشانی کتاب: روی برگ آغازین کتاب یادداشت زیر قید شده است: «شرح گل کشتی من تصنیف میر نجات اصفهانی یکی از منسبداران شاه شهید سلطان حسین صفوی که قصه آن مجمل در تاریخ میرهندی و نادری درج نموده‌اند. فقیر محمد شاد».

عبارت «قوله» و در بیشتر مواقع مخفف آن به شکل - ق - پیش از بیت آمده و نشان - ش - را بجای عنوان «شرح» آورده است.

2- نسخه به شماره 3088 / 83 در مجموعه شیرانی در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور نگهداری می‌شود. این نسخ در 24 ژون سال 1875 م نوشته شده است و کاتب احمد دین و مملوکه مولا بخش و دولت بخش است. این دستنویس 57 برگ دارد و هر برگ 19 سطر است. برگه‌های زوج رکابه دارد. کاتب ابیات شرح شده را کامل ثبت نکرده و پس از نوشتن چند کلمه اول بیت نشانه «الخ» درج کرده است. این دستنویس کامل است.

3- نسخه به شماره 639 / 3660 در مجموعه شیرانی در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور نگهداری می‌شود. این دستنویس 126 ورق و 11 سطر است. ابتدای نسخه و چند ورق از جاهای مختلف نسخه افتاده است. برگه‌های زوج رکابه دارد.

#### شارحان دیگر مثنوی گل کشتی

اهمیت این اثر و مشتمل بودن بر اصطلاحات فنی باعث شده است که شروخی بر آن نوشته شود از جمله: شرح محمد غیاث الدین به سال 1253 ق، شرح رتن سینگ زخمی لکهنوی بریلوی (م. 1267 ق). (ر.ک. منزوی، 1366، ج ۸: 1061). سراج الدین علی خان آرزو نیز شرح این مثنوی نوشته بود. (اته، 1356: 199).

#### منابع

1. اته، هرمان (1356)، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
2. خطیب نیا، مهین (1396)، «بررسی سبک‌شناسانه منظومه‌های گل کشتی از میرنجات و دیوان رضا یزدی»، ماهنامه بهار ادب، ش 93.

3. همو (۱۴۰۱) گل کشتی شهر آشوبی گمنام از عصر صفوی، فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ش ۴۵
4. خلیل عظیم آبادی، علی ابراهیم (۱۳۸۴) صحف ابراهیم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
5. صبا، محمد مظفر حسین (1343)، تذکره روز روشن، کتابخانه رازی، تهران.
6. ملاح، ابوالفیض محمد (بی تا) شرح گل کشتی، شماره نسخه ۸۹۷۵، کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد،
7. منزوی، احمد (1375)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۸، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.